

کاشمی نداده شن بودم کما غیره را کاشم نشانی که چه
حساب من است ایضا و کاشم این بود موت و منتهی
و نه کار آمدن من مال ملک در دنیا مال را بودیم پس بیست
امر خواهر کرد ملائکه را بگریز اینها را و طوق کینه اینها را بعد
در زنجیر کرد و بی سبعون فرسخ است مسلوک سائیدار
اینها ایمان نمی آوردند با بنده عظیم و محض کینه در طعام
مسکین یعنی مسکین را طعام نمیدادند و نه پرست اینها را الا حیم
یعنی آب گرم و نه طعام مگر از علی بن عرق اهل دوزخ است
دریم اهل دوزخ که از سوسن زمی این زمین علی بن کثیر
این را کما که کار و شیخ قدس سره در فتوحات می نمایند
که مگر فرجی هر کاتبی نیست که داده شود و شتاب نیست
کتاب مگر برای مگر کو درین کلام ای و اصامن اونی
کتاب به شحال آه مراد منافقان از هر کما اینها کما

میگفتند

میگفتند و اما کفر مجاد بر پیش کش سابق گزشت که اینها فخر
روزی حساب و منافی مسلوب الایمان آدر باطن در زبان
مشک است با از معطله یا از بکبر علی الله است و الله تعالی
سلب کرده ایمان از اصحاب شمال تعرض با سلام مگر کرده
منافق منقاد است نظایر برای حفظ مال خود و دم خود و
اسلام منافق عند الله مقبول نیست و منافق متمیز شده +
ازین سبب کرده نبوده و صف نفاق را اینک معانی این است
و این سبب کرده مجاد تا این منافق اصحاب نارند و مجاد
همیشه و این سبب کرده مجاد بی حساب در نار و نه چنانکه
بیان آن با حدیث صحیحی منافق بسبب قول لا اله الا الله
بعد حساب بر دوزخ رفت و الله اعلم و شیخ اکبر قدس سره
فرموده و اما کسیکه داده شوند کتاب از پشت خود
یعنی کسی که نگوید که او درین آیه و اصامن اونی کتاب

Copyright © King Saud University